

کار فرهنگی، پایان ندارد

دکتر حسن غفوری فرد عضو هیئت علمی دانشگاه امیر کبیر،

رئیس هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

آن چه در پی می‌آید حاصل گفتگوی ایشان با نشریه مهندسی فرهنگی است.

• چند سالی است مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که شورای عالی انقلاب فرهنگی، مهندسی فرهنگی کشور را انجام بدهد. واژه مهندسی برای مفاهیم مختلفی به کار می‌رود؛ در این زمینه نخبگان و صاحب نظران کشور مفاهیم مختلفی را مطرح می‌کنند. آیا شما بین واژه‌ها و مفاهیمی همچون مدیریت فرهنگی، ساماندهی فرهنگی و اخیراً مهندسی فرهنگی، تفاوتی قائل هستید؟

بحث مهندسی فرهنگی را مقام معظم رهبری دو سال قبل مطرح کردند. در سال گذشته هم که خدمت ایشان شرفیاب شده بودیم ایشان اعلام کردند من انتظار داشتم که نقشه مهندسی فرهنگی کشور الان روی میز آماده باشد و براساس آن برنامه‌ریزی و طراحی انجام شود. مهندسی فرهنگی مفهوم کاملتر و جامع تری از بحث‌های مدیریت فرهنگی و بحث هایی که قبلاً مطرح بوده است را دارد. دریافت ما در حقیقت این است که منظور ایشان از مهندسی فرهنگی و نقشه مهندسی فرهنگی شامل تمام مواردی همچون مدیریت فرهنگی، سیستم‌های فرهنگی، بررسی شاخص‌های فرهنگی و روند رشد آنها، تعاملات فرهنگی با فرهنگ‌های دیگر بخشهای مهم فرهنگ کشور، راهبردها و راهکارهای رسیدن به سطح فرهنگی مطلوب می‌باشد. وقتی برای ساختاری نقشه‌ای کشیده می‌شود؛ ضرورتاً تمام بنیان‌ها و زوایای آن در آن نقشه دیده می‌شود و نحوه رسیدن به این ساختار مشخص و نقشه‌های اجرائی و محاسبات تهیه و تدوین می‌شود. وقتی همه نقشه‌ها و محاسبات کامل شد؛ ساختار کلی فرهنگ کشور مشخص می‌شود. لازم است در این خصوص شرایط مطلوب و راهکارهای رسیدن به آن شرایط، اقتضانات، الزامات و مدیریت آن، تولیدات فرهنگی و کسانی که باید این برنامه‌ها را اجرا و پیاده کنند مشخص و معلوم گردد. باید وظیفه محیط‌ها و قسمتهای مختلفی که در فرهنگ اثرگذار هستند مثل رادیو، تلویزیون، دانشگاه، رسانه‌ها، سازمان تبلیغات، حوزه‌های علمیه، روحانیت و همه دستگاه‌هایی که کار فرهنگی می‌کنند مشخص شود. بنابراین از نظر من مهندسی فرهنگی یک مجموعه و طرح جامع برای فرهنگ کشور است که بایستی با دقت تدوین شود.

• حدود سه دهه قبل در کشور انقلابی صورت گرفت که عمدتاً بعد و هویت فرهنگی داشت اکنون با توجه به گذشت حدود سه دهه؛ زمان آن رسیده است که فرهنگ حاکم بر انقلاب دقیقاً مهندسی و تدوین و هویت فرهنگی همه دستگاه‌ها و همه انسان‌ها کاملاً شناسائی و مهندسی گردد و سرفصل کارهایی که لازم است انجام شود دقیقاً مشخص و خلاصه و نقاط ضعف احتمالی به طور شفاف بیان گردد. به نظر جنابعالی راه پرداختن به این مسائل چگونه است؟

فرهنگ یک عامل ایستا و ثابت نیست؛ بلکه یک موجود زنده است. مسئله مهندسی فرهنگ با ساختن یک سازه کاملاً متفاوت است. کار فرهنگی آن هم فرهنگ یک کشور انقلابی و پرنشاط پایان ندارد. فرهنگ یک پدیده زنده است که دائماً با عوامل مختلف داخلی و خارجی در تعامل است.

مقام معظم رهبری جزء اولین افراد در دنیا است که مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح کردند. کشورهای اروپایی بعد از ۸ تا ۱۰ سال به این مسئله رسیدند و آن را مطرح کرده‌اند. کشورهای اسلامی هم به کرات این مسئله را مطرح کرده‌اند. فرهنگ با عوامل فراوانی در جهان در تعامل است. به علاوه مسئله خرده فرهنگ‌های داخل کشور هم مطرح است. هر فرهنگی که دارای فعالیت، نشاط و دینامیک بیشتری باشد در این تعاملات موفق‌تر خواهد بود. فرهنگ هر کشوری با کشورهای مختلف دائماً در تعامل است. تهاجم فرهنگی و به قول مقام معظم رهبری شیخون فرهنگی دائماً فرهنگ کشور را با استفاده از جدیدترین امکانات روز و بالاترین تکنولوژی دائماً مورد تهاجم و شیخون قرار می‌دهد. شما باید دائماً پاسخگوی مسائل جدید فرهنگی باشید. با یک برنامه ساده نمی‌شود جلوی مآهورها، اینترنت و فرهنگ‌های مختلف را گرفت. یعنی نقشه فرهنگی باید دارای ظرفیتی برای پاسخگویی به فرهنگ‌های مختلف باشد. اگر امروز فرهنگ و برنامه فرهنگی؛ کامل باشد ۵ سال دیگر حتماً دچار خلأهایی می‌شود. آنچه اول انقلاب ساخته شده است اگر هم کامل بوده باشد الان دارای خلأهای فراوانی است؛ بخاطر اینکه نمی‌تواند پاسخگو مسائل امروز دنیا باشد؛ چون این مسائل جدید هستند ساختاری که سال ۵۸ ساخته شده نمی‌تواند پاسخگوی مسائل فرهنگی سال ۸۵ باشد. بنابراین خلأ به این معنا نیست که آن ساختارها ضعیف بوده‌اند بلکه به این معنا است که مسائل،

شرایط و ارزشهای جدید فرهنگی حاکم شده است و در کنار آن هم ضد ارزشهای جدید فرهنگی مطرح گردیده است که باید در مقابل آنها پاسخگو باشیم. به نظر من مدل فرهنگی بایستی منطبق بر فرهنگ کشور باشد. چون فرهنگ ملی ما چند هزار سال سابقه دارد. به علاوه فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) و به خصوص فرهنگ سرخ علوی یقیناً با توجه به جنبه و مبانی آن غنی تر از هر فرهنگی در جهان است و ما را از فرهنگ‌های دیگر بی‌نیاز می‌کند.

به نظر من یکی از مشکلات اساسی، بی‌توجهی و عدم اطلاع خود ما از فرهنگ ملی و به خصوص فرهنگ اسلامی و علوی است. تهاجم فرهنگی موقعی می‌تواند مؤثر واقع شود که افراد و فرهنگ نداشته باشند و یا فرهنگشان خمیر مایه پاسخگویی به عناصر جدید را نداشته باشد. ما معتقدیم فرهنگ اسلامی به خصوص فرهنگ تشیع این قدرت را دارد که برای مسائل جدید پاسخ مناسب ارائه دهد. ولی مشکل اساسی این است که اغلب جوانهای ما یا با فرهنگ خودشان آشنا نیستند و یا فرهنگ ملی خودشان را نفی می‌کنند. اتفاقاً هدف تهاجم فرهنگی هم این است که نقش فرهنگ‌های ملی را از بین ببرد تا کشورها بی‌هویت شوند چون وقتی بی‌هویت شدند می‌توان فرهنگ دلخواه را در آنها وارد کرد. یک ظرف تا زمانی که محتوایی دارد دیگر جایی برای محتوای جدید نیست. اما اگر از محتوا خالی شد می‌توان آن را با محتوایی دیگر پر نمود. اگر ملتی با فرهنگ خودش آشنا نباشد؛ با هر فرهنگی که وارد کشور آن‌ها شود ارضاء می‌گردد. اما اگر ملتی دارای فرهنگ باشد و به فرهنگ خودش علاقه و آشنایی داشته باشد؛ تهاجم فرهنگی به هیچ وجه نمی‌تواند بر آن تأثیرگذار باشد. بخشی از کار اصلی ما به نظر می‌آید آشنا نمودن افراد با فرهنگ ملی و به خصوص فرهنگ مذهبی باشد در مرحله بعد، کاربردی و عملی کردن این فرهنگ و راهکارهای پیاده سازی این فرهنگ در جامعه باید مورد نظر قرار گیرد. فرهنگ نظری ما دارای ارزش‌های فراوانی است که هنوز یا در جمعه پیاده نشده است و یا خیلی کم رنگ است. فرهنگ اینتر، تعاون، فداکاری و گذشت؛ در فرهنگ ما ست و از همه جای دنیا هم غنی‌تر است اما تا در جامعه پیاده نشود نمی‌تواند اثرگذار باشد. جامعه محل بروز و نمود فرهنگ است. باید مؤلفه‌های مختلف فرهنگ کشور را شناسایی، معرفی و به خصوص برای نسل جوان تفهیم و راهکارهای پیاده شدن ارزش‌ها در جامعه مشخص کنیم. من فکرمی کنم اگر کسی به ارزشهای فرهنگی خودش آشنا شود آن وقت به راحتی نه تنها می‌تواند از تهاجم فرهنگی بی‌آسیب باشد بلکه می‌تواند فرهنگ خود را به دنیا معرفی کند و در دنیا از لحاظ فرهنگی تأثیرگذار باشد.

اصولاً ما نسبت به قانون خیلی کم توجه هستیم؛ بعضاً هم گفته می‌شود که مشکل ما زیادی قانون است. مثلاً فرهنگ ترافیک و قوانین ترافیکی وجود دارد ولی اجراء نمی‌شود. فرهنگ ما چه در جهت نهی از صفات زشت و منفی و چه در جهت بیان صفات خوب و بالارزش مثل تعاون، وفا، احترام به

دیگران، حفظ کرامت انسانی و عدالت؛ ارزش‌های بسیار زیادی در خود دارد. غیبت و تهمت بد است یا جهل و نادانی ظلمت است. اینها در فرهنگ ما وجود دارد. یک زمینه قدیمی در ذهنیت افراد ما وجود دارد و آن قانون گریزی است. شاید این موضوع دلایل و بسترهای تاریخی داشته باشد. در رژیم‌های سلطنتی قبل از انقلاب معمولاً قوانین به نحوی تدوین، اجراء و یا حتی در صورت لزوم تصحیح می‌شدند که حافظ منافع طبقه حاکم باشند، در نتیجه مردم انگیزه ای برای تبعیت از قانون نداشتند. به علاوه شخصیت‌های اصلی نظام نیز هرگز خود را موظف به تبعیت از قانون نمی‌دانستند و در نتیجه عدم توجه به قانون عملاً به معنی داشتن شخصیت بودو لذا بعضاً برای آنکه تظاهر به داشتن شخصیت نمایند قوانین را زیر پا می‌گذاشتند. عده ای برای اینکه اثبات کنند دارای شخصیت هستند این کار را انجام می‌دادند یعنی درست برعکس آنچه که باید باشد. انسان‌ها باید شخصیت خویش را در تبعیت از قانون جستجو کنند. فرهنگ بی‌قانونی در جامعه ما رشد کرده است. این مسئله یک ریشه تاریخی دارد. از آن جایی که قوانین برای افراد ضعیف بوده است، افراد ضعیف برای اینکه اعلام کنند که ضعیف نیستند سعی می‌کردند که قانون گریز باشند. این ذهنیت از قبل انقلاب باقی مانده است و هنوز هم کم و بیش وجود دارد. یعنی اینکه به نظر می‌آید هنوز افرادی دارای این ذهنیت هستند که قوانین برای آنها نیست و خودشان را مافوق قانون می‌دانند. در حالیکه هم از لحاظ قوانین بین المللی و هم از لحاظ قوانین اسلامی؛ آنچه ارزش است احترام به قانون است؛ نه هتک قانون. ائمه اطهار علیهم السلام به هیچ وجه خود و خانواده خویش را ما فوق قانون نمی‌دانستند. در فرهنگ غنی این احترام به قانون است که شخصیت می‌آورد نه مخالفت با قانون. بعضی از قوانین ما درست همان جا که باید قوی تر اجرا بشود ضعیف تر است. راهکار اصلی آن این است که افراد رده‌های اول و دوم مملکت دقیقاً به قانون توجه کنند. الان فکر می‌کنیم هر که دیرتر به جلسه بیاید دارای شخصیت بالاتر و مهم تری است یعنی شخصیت کسی مهم است که آخر بیاید. اگر این آموزش عملاً به همه داده شود که رأس ساعت باید سر جلسه باشد و آنان که مهمتر هستند بیشتر به قانون احترام گذارند؛ طبیعتاً احترام به قانون به عنوان یک ارزش در جامعه مطرح می‌شود. تنها راه حل آن این است که مردم تعهدات مسئولین بالای نظام را نسبت به قانون دقیقاً مشاهده و لمس کنند. مقامات کشوری هر مقدار که شخصیت شان بالاتر باشد احترام شان نسبت به قانون باید بیشتر باشد. امیرالمؤمنین بیش از هر کسی نگران بیت المال بود. آن چیزی که موجب دوام و بقای نظام اسلامی و رشد و شکوفایی آن بعد از ۱۴۰۰ سال در دنیا شد همین عدالت و مساوات مردم در قبال قوانین الهی و اسلامی است. فرزندان یک روستا زاده و فرزندان خلیفه در مقابل قانون مساوی هستند.

• لطفاً بفرمایید رابطه مهندسی فرهنگی با جامعه و فرهنگ عمومی چگونه است و چه

تأییراتی می‌تواند داشته باشد؟

مهندسی فرهنگی یعنی تبیین و تعیین تمام مؤلفه‌های فرهنگی، رفتارهای فرهنگی، مدیریت فرهنگی و تولیدات فرهنگی. مهندسی فرهنگی باید معین کند تولیدات فرهنگی چیست و در چه جهتی باید باشد؛ مدیریت فرهنگی چه نتایج و خصوصیات باید داشته باشد؛ شاخص‌های فرهنگی کدام هستند و حرکت این شاخص‌ها چگونه باید باشد اجزاء فرهنگ پذیر در جامعه کدام‌ها هستند به نظر من باید اینها به روز شود. فرهنگ امروز ما ایستا نیست که بگوئیم به این مرز که رسیدیم کار ساختمان فرهنگی دیگر تمام شد. این ساختمان که امروز می‌سازید باید یک نوع نرم افزار هوشمند داشته باشد. فردا هم کار فردا را انجام دهد. ظاهراً این حدیث از امیر المؤمنین است که ادباً اولادکم لزمانهم فانهم خلقوا لزمان غیر زمانکم فرزندان خویش را برای زمان خودشان تربیت کنید چرا که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند. یعنی آن فرهنگی که برای شما لازم بود برای آینده جوابگو نخواهد بود. پدیده‌های جدیدی ایجاد می‌شود. سمومی جدید

وارد فرهنگ می‌شود که باید با دزهرهای آن تهیه شود. یعنی فرهنگ باید کاملاً پویا باشد. آنچه که رابطه تمام این ضوابط، تولیدات فرهنگی، رسانه‌های فرهنگی و مدیریت فرهنگی را مشخص می‌کند مهندسی فرهنگی کشور است.

• نقشه مهندسی فرهنگی طبعاً بهترین راهنما برای مسائل حوزه فرهنگی می‌باشد. بفرمایند چگونه می‌توان به بهترین وجه این نقشه را در دستگاه‌ها و نهادها پیاده کرد؟

این یک بحث کاملاً جدید است که مقام معظم رهبری مطرح کرده اند. به نظر من در تهیه این نقشه به هیچ وجه ما نباید دچار شتاب بشویم. یعنی معمولاً برنامه‌هایی که یک نفر در یک زمان محدود ایجاد و طراحی می‌کند برای یک زمان محدود هم کارآئی دارد. به خصوص برنامه‌های فرهنگی، معمولاً برنامه‌های دیربازدهی است. پیامبر اسلام (ص) در ۱۳ سال اول نبوت خودشان عملاً فقط کار فرهنگی انجام دادند که بسیار پرزحمت است. این مقدماتی که در شورای عالی درست شده من فکر می‌کنم شروع خوبی است و حتماً مقام معظم رهبری نظرات اصلاحی خواهند داشت. این نقشه دائماً باید اصلاح شود و از اندیشمندان مختلف و کسانی که کار فرهنگی کرده‌اند و حتی منابع خارجی می‌توان استفاده و دائماً این مؤلفه‌ها و قسمتهای مختلف را تصحیح کرد. به نظر من به هیچ وجه نباید دنبال جزوه یا یک نسخه خاصی باشیم

• فرهنگ ملی در دهکده جهانی چگونه می‌تواند تأثیرگذار باشد و مهندسی فرهنگی

در صیانت فرهنگی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

فکر می‌کنم فرهنگ مذهبی و ملی ما از غنای بسیار بالایی برخوردار است که می‌تواند به راحتی خودش را در مقابل تهاجم فرهنگی نه تنها حفظ کند بلکه حتی می‌تواند یک نوع تهاجم فرهنگی به غرب داشته باشد. اتفاقاً تهاجم فرهنگی غرب نتیجه وحشت غرب یعنی فرهنگ غرب از فرهنگ اسلامی است. من این را نه از روی تعصب بلکه از روی تجربه‌های شخصی و مطالعات فراوان می‌گویم. ۳۰ سال پیش غرب به این نتیجه رسید که فرهنگ اسلامی دارد دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دنیا اعلام شد که از هر ۵ نفری



که در قاره آفریقا دین خود را تغییر می‌دهند ۴ نفر مسلمان می‌شوند. در حالیکه دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار در حد بسیار وسیع از پشتوانه کلیسا و کمک‌های صلیب سرخ و دانشگاه‌ها و مدارس برخوردار بود اسلام هیچ پشتوانه‌ای نداشت ولی از هر ۵ نفر که دین خود را تغییر می‌دادند ۴ نفر مسلمان می‌شدند. اعتقاد من این است که تهاجم فرهنگی

امروز غرب واکنشی در جهت گسترش فرهنگ اسلامی در دنیا بود. یعنی حتی غرب هم به این نتیجه رسیده بود که فرهنگ اسلامی ظرفیت این را دارد که تمام دنیا را بگیرد و در دنیا تأثیر گذار باشد لذا شروع کردند به مطالعه درباره فرهنگ اسلام. کتابهای شریعتی و شهید مطهری، نهج البلاغه و قرآن را آن موقع ترجمه کردند. اینان نگرانی داشتند فرهنگ اسلامی دنیا را می‌گیرد. اعتقاد من این است که فرهنگ اسلامی ظرفیت پاسخ به نیازهای فرهنگی انسانهای غرب را دارد. ما فرهنگ اسلامی و فرهنگ تشیع را نمی‌شناسیم یا اگر می‌شناسیم عمل نمی‌کنیم یا ضد آن عمل می‌کنیم. این مشکل ما است. به نظر من اگر ما فرهنگ اسلامی را بشناسیم و در عمل پیاده کنیم به هیچ وجه نگران تهاجم فرهنگی نخواهیم بود. اگر بدن، دستگاه گوارش، دستگاه گردش خون، کلیه‌ها و قلب شما منظم کار کند و بدن شما ورزیده باشد چه در سرما و چه در گرما هیچ عاملی شما را تهدید نخواهد کرد. ولی اگر غیر از این باشد آن وقت از یک نسیم خنگ هم سرما می‌خورید. برای صیانت از فرهنگ اسلامی تنها راه این است که فرهنگ علوی و تشیع را آموزش بدهید و درجهان پیاده کنید آن وقت خواهید دید که تهاجم فرهنگی اثری ندارد. نگرانی از عدم آشنائی با فرهنگ اسلامی است.